

آتش نشانان و مردم تهران در آغوش گرم و صمیمانه مردم شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان



مردم در سراسر کشور از آتش نشانان تجلیل کردند

صفحه ۴

حزب کمونیست کارگری ایران

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۵

نسان نودینیان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۶

عزیزه لطف الهی

پیام شاپور احسانی راد پیرامون تلاش برای دستگیری جعفر عظیم زاده یورش به منزل جعفر عظیم زاده محکوم است

صفحه ۷

مادرانی دیگر!! چرا مادرانی دیگر!؟

صفحه ۸

صالح گویلی

بحران خاورمیانه و عروج و افول داعش

مصاحبه ایسکرا با محمد آسگران
(فسمت دوم)

ایسکرا: در بخش اول این مصاحبه به موقعیت جریان‌ات اسلامی قطب بندی‌های منطقه ای و جهانی و جنگ با داعش پرداختیم اکنون سوال این است آیا با تصرف موصل داعش تمام میشود یا هنوز شهرهای دیگری در تصرف دارد؟

محمد آسگران: اولاً بعد از صد روز جنگ در موصل هنوز کمتر از نصف این شهر یعنی فقط بخش شرقی موصل از کنترل داعش بیرون آمده است. علاوه بر سوریه که بخش زیادی از شهرها و مناطق آن هنوز تحت کنترل داعش است در عراق هنوز بخش غربی موصل و شهر

ایسکرا: اگر اینطور است آیا پایانی برای جنبش تروریسم اسلامی قابل تصور است؟

محمد آسگران: قطعاً این جنبش نمیتواند در یک روند تاریخی رو به رشد باشد. اما در مقطعی از زمان این جنبش سر برآورد و مدتی طول خواهد کشید که به عنوان یک جنبش ارتجاعی شکست بخورد و حاشیه ای بشود. زیرا بشر و نیازهای جامعه امروز بشری با وجود این جنبش همخوان نیست و روند زندگی و نیازهای بشر حکم میکند که نقطه پایانی بر این جنبش گذاشته شود. اما این روند و مدت زمانی که این جنبش به پایان خود برسد مورد بحث ما باید باشد. در دو دهه پایانی قرن بیستم این جنبش در ایران و افغانستان وارد میدان شد. اکنون حدود دو دهه از قرن بیست و یکم گذشته و هنوز این جنبش دارد به جامعه خون میپاشد. با این حساب در دوران تمدن و مدرنیته ما حدود چهار دهه است که با این جنبش درگیر هستیم و بسیاری از کشورهای منطقه را به ویرانه تبدیل کرده و در ۲ صفحه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ بحران خاورمیانه و ...



میزنیم که روند کلی اوضاع جهانی و منطقه‌ای متحول شده است. این تحول به همت جنبشی آزادیخواهانه و نقدی روشن بینانه ممکن شده است. فشار جنبش بشریت آزادیخواه و متمدن آن چنان قدرتمند شده است که حتی حامیان جریان‌های اسلامی و جنایات و کثافت این جنبش ناچار شده‌اند نسبت به سیاست‌های گذشته خود نگاهی متفاوت داشته باشند.

ایسکرا: منظورتان از نگاه متفاوت چیست آیا حامیان منطقه‌ای و جهانی جنبش اسلام سیاسی اکنون این جریان‌ها را تقویت نمیکنند؟

محمد آستگران: ببینید نباید از این تبیین فورا به این نتیجه سیاه و سفید رسید. بحث من تبیین یک روند عمومی است که قدم به قدم و به تدریج روند حمایت قدرتهای جهانی از دولت‌ها و جنبش‌های اسلامی تغییر کرده است. منظور من این است که متوجه باشیم روند عمومی چه مسیری را طی کرده و اکنون در چه جهتی حرکت میکند. نقش حمایتی چپ سنتی و پرو اسلامی و لیبرال‌های دمکرات منش که فرهنگ سنگسار و شریعت قصاص و ستم بر زن و بی حقوقی کودک و... را فرهنگ مردم "جوامع اسلامی" میدانستند، اکنون نمیتوانند از این تئوری ارتجاعی نسبییت فرهنگی دفاع کنند. دولت‌های حامی و سازنده جریان‌های تروریست اسلامی نمیتوانند آشکارا از آنها حمایت کنند. علاوه بر این فشار جنبش‌های سکولاریستی و متمدانه و چپ در جوامعی مانند ایران بسیاری را به تعمق و تفکر وادار کرده است.

ایسکرا: چه نمونه‌هایی برای این مدعا وجود دارد؟ آیا جنبشی که میگوید دولت‌ها و جریان‌های پرو اسلامی و خود اسلامیها را تحت فشار قرار داده است چه خصوصیات و ابعادی دارد؟

محمد آستگران: اجازه بدهید برای پاسخ به این سوال مثالی بزنم. همین دو هفته قبل در شهر وین دو خبرنگار را ملاقات کردیم که در یک

سفر به ایران و ملاقات با جوانان و زنان و فعالین جنبش‌های اجتماعی به این نتیجه رسیدند که "اگر امیدی به شکست جنبش اسلامی هست امید ما به مردم ایران است" توضیح‌حشان این بود که بخش عظیمی از مردم هیچ دل خوشی از فرهنگ و سنن و قوانین اسلامی ندارند و بشدت از حاکمان اسلامی عصبانی هستند. من اضافه میکنم که تأثیرات این جنبش مدرن سکولاریستی را در عراق و سوریه و حتی عربستان و... میتوان دید.

در جایی مثل ایران هنوز رژیم اسلامی در قدرت است اما تمام قوانین و سنن و شریعت اسلامی در زندگی روزمره مردم به زباله دان انداخته شده است. با نگاه به نوع موزیکی که مردم دوست دارند، با نگاهی به فیلم و شعر و ادبیاتی که نسل جوان تولید میکند و با نگاهی به طرز لباس پوشیدن و دفاع از حقوق کودک و مخالفت با مجازات اعدام و مخالفت با قوانین قصاص و کل شریعت و قوانین اسلامی و با نگاه به گروه‌های مدافع محیط زیست و دفاع از حیوانات و مشخصا دفاع و حمایت از سگ‌های ولگرد که از نظر اسلام کثیف و شهرداریها رسماً سگ کشی را سازمان داده بودند، شما دو دنیا و دو جهان بینی و دو تفکر، یکی عهد عتیقی و دیگری مدرن را در مقابل هم میبینید. نتیجه‌ای که من میگیرم این است که جمهوری اسلامی اگر از نظر سیاسی و نظامی هنوز حاکم است اما تمام فرهنگ و سنتها و قوانین این سیستم حکومتی و آموزشی که سالانه میلیاردها دلار خرج آن میکنند سرنگون شده است. به این معنا مردم بخش مهمی از جمهوری اسلامی را سرنگون کرده‌اند.

همیشه یک مشکل مردم و جنبش‌های آزادیخواهانه برای سرنگون کردن یک حکومت این است که چگونه با فرهنگ حاکم و سنن و قوانین آن چنگند تا بتوانند جامعه را به این قناعت برسانند که حاکمیت سیاسی و اقتصادی را از دست حاکمان بیرون بیاورند. مردم ایران بخش مهمی از این روند را طی کرده‌اند. این در عین حال پاسخ به کسانی است که میگویند اپوزیسیون چکار کرده است. من میگویم اگر اپوزیسیون جمهوری اسلامی را

جنبش‌های اجتماعی و حق طلب بدانیم که سازمان‌های سیاسی فقط بخش کوچکی از این جنبش‌ها هستند این کار مهم را انجام داده‌اند. حتی اگر بخشی از این سازمانها خودشان هم در تقویت این روند ضد اسلامی و گسترش فرهنگ مدرن و برابری طلبانه شریک نبوده‌اند کافی است خود را اکنون بخشی از این جنبش بدانند. مردم ایران و فعالین جنبش‌های اجتماعی و در راس آنها رهبران و فعالین کارگری و احزاب کمونیست و مدرن با سری افزاشته امروز میتوانند اعلام کنند که جمهوری اسلامی را از نظر ایدئولوژیک و فرهنگی و سنن و قوانینش... شکست داده‌اند. زیرا کمتر آدمی در ایران پیدا میشود که بتواند از فرهنگ و سنن و قوانین جنبش اسلامی آنطور که خمینی و خامنه‌ای و داعش‌ها میگویند حمایت کند. اکنون کار بجایی رسیده است عنصر مترجعی به اسم زیبا کلام اعلام میکنند که تئوری ولایت فقیه خمینی چیزی من در آوردی است. کار بجایی رسیده است که از درون همین حاکمان خونریز و مشروعه چی میگویند قتل عام‌های دهه شصت باید بررسی و عاملین آن محاکمه شوند. این نمونه‌ها کافی است که فشار این جنبش را و قدرت و توان آنها ببینیم و برسیمت بشناسیم تا قدم‌های بعدی را بررسی کنیم.

ایسکرا: اگر کوتاه نگاهی به احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه بین‌دازیم از نظر شما در این فضای که ترسیم کردید احزاب سیاسی و نظامی جنبش ناسیونالیستی در چه موقعیتی قرار دارند و نقش آنها را چگونه توضیح میدهید؟

محمد آستگران: من قبلا هم در چند جا گفته و تأکید کرده‌ام که تمام احزاب ناسیونالیست کرد در همه بخش‌های کردستان در میان قطب‌های منطقه‌ای تقسیم شده‌اند. برای اینکه تصویر کاملی به خوانندگان شما بدهم اجازه بدهید تعدادی از آنها را با اسم و رسم و نشان دادن موقعیتشان نام ببرم. در کردستان عراق جریان‌های اسلامی بین دو دولت ترکیه و جمهوری اسلامی تقسیم شده‌اند. بخشی از آنها رابطه نزدیکی با ترکیه و عربستان دارند و

بخش دیگری به جمهوری اسلامی نزدیک هستند. جالب این است بدانید که هیچ جریان اسلامی ای در کردستان تا کنون حاضر نشده است داعش را یک نیروی تروریست اسلامی معرفی کند. همه آنها تحت فشار میگویند داعش از آموزش‌های قرآن و اسلام برداشت نادرستی دارد. این عمق نقد اسلامیهایی کردستان به داعش است.

از میان احزاب ناسیونالیست کرد بارزانی خود را در جبهه ترکیه و تا حدودی عربستان میدانند و رابطه تنگاتنگی با اردوغان دارد. از همین منظر مخالفت با پ.ک.ک و احزاب نزدیک به آن تا کنون تشنه‌های زیادی بوجود آورده است. اتحادیه میهنی جلال طالبانی بیش از سه دهه است رابطه نزدیک و تنگاتنگی با جمهوری اسلامی داشته و این رابطه همچنان ادامه دارد و باعث شده است میانه‌گرایی با احزاب شیعه حاکم بر بغداد هم داشته باشد. گوران (جنبش تغییر) به رهبری نوشیروان مصطفی هم در همین جبهه قرار دارد. از همین زاویه برخلاف حزب بارزانی هر دوی اینها رابطه نزدیک و دوستانه‌ای با پ.ک.ک و حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه دارند. در کردستان سوریه و ترکیه حزب اتحاد دمکراتیک و نیروی نظامی او ی.پ.گ همراه پ.ک.ک. رابطه کش و قوس داری با جمهوری اسلامی و حکومت سوریه دارند و دوستی آنها با اتحادیه میهنی و گوران تحت تأثیر جبهه‌ای است که در آن قرار گرفته‌اند. احزاب کردستان ایران هم به همین شکل نزدیکی و دوریشان به حزب بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان عراق تحت تأثیر این جبهه بندی است. با این حال همه احزاب ناسیونالیست کرد مخالف داعش هستند و در جنگ با داعش در سوریه و عراق نقش مهم و تعیین کننده‌ای داشته‌اند. در این میان پ.ک.ک و احزاب اقلامش داعش را نه یک نیروی تروریست اسلامی بلکه آنها را راهزن توصیف میکنند. این جریان‌ها به دلیل رابطه نزدیکشان با دولت‌های اسلامی منطقه و جریان‌های اسلامی همپیمان، مخصوصا در کردستان سوریه نمیخواهند خود را جریان‌های ضد تروریسم اسلامی معرفی کنند. زیرا از نظر اوجلان که رهبر فکری همه آنها است اسلام و

از صفحه ۲ بحران خاورمیانه و ...

شباتی فعلا بوجود نیامده است.

ایدئولوژی اسلامی اگر خوب تفسیر بشود مترقی بوده و میتواند اتحاد ملتها را موجب بشود.

ایسکرا: همه احزاب ناسیونالیست کرد هر کدام به نوعی آرزوی خود را برای تشکیل یک کشور مستقل در کردستان پنهان نکرده اند این مسئله تا چه حد به واقعیت نزدیک است؟

محمد آسنگران: این درست است که همه این احزاب چنین آرزویی را در سر دارند. اما بورژوازی کرد مثل همه بخشهای بورژوازی به دنبال سود اندوزی و منافع خودش است. هر بخش از بورژوازی کرد به دلیل گذشت زمان و ادغام شدن در بازار کالا و سرمایه در کشورهای مختلف جهت و استراتژی واحدی ندارند. بورژوازی کرد کوتاه بین تر از آن است که حتی منافع دراز مدت خودش را تشخیص بدهد. زیرا بسیاری از بورژواهای کردستان هنوز با فرهنگی فئودالی و عشیرتی محدود نگرانه به بازار و سود اندوزی نگاه میکنند. متفکرین و ایدئولوگهای بورژوازی کرد در همه بخشهای کردستان علیرغم داشتن حس ناسیونالیستی منفعت روز و کوتاه مدت خودش را به استراتژی تبدیل کرده است. سنت نوکر صفتی و چشم دوختن به سهم شدن با بورژوازی قدرمند تر از خودش در هر کشور برایش مهمتر و قابل دسترس تر است. در متن چنین فرهنگ و سیاسی اوجان از خواست استقلال چهار بخش کردستان فاصله گرفت و به هم پیمان شدن و سهم شدن در بازار ترکیه تغییر موضع داد و بازرانی و طالبانی و بقیه احزاب

مشابه هم هر کدام به نیرو قدرتی در منطقه تکیه کرده اند که امکان حفظ منافعشان را در تقابل با رقبای منطقه ای و محلی خود بتوانند تضمین کنند. بنابر این حرف زدن از استقلال کردستان از جانب این احزاب بیشتر از اینکه جنبه استراتژیک و جدی داشته باشد اساسا جنبه پروپاگاندا و تهدید رقبای به منظور تامین قدرت و ثروت امروزشان است. با این حال اگر استقلال یک یا چند بخش کردستان هم عملی بشود نه به دلیل اراده و خواست این احزاب بلکه به علت تامین منافع قدرتهای جهانی و رقابتهای منطقه ای از جانب دولتهای قدرتمند ممکن است اتفاق بیفتد. برای مثال در دوره اوپاما به منظور رقابت با روسیه تلاش شد که کردستان سوریه و عراق به هم وصل شوند و نفت و گاز کردستان عراق و کرکوک از راه دریای آزاد در شمال سوریه به اروپا برسد. اختلاف ترکیه و آمریکا عمدتا تحت تاثیر این سیاست اتفاق افتاد. زیرا آمریکا احزاب کردستان سوریه و عراق را در مقابل داعش تقویت کرد و تسلط حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه به معنای تقویت پ.ک.ک بود و مایه نگرانی ترکیه شد. یک عامل مهم نزدیکی ترکیه و روسیه همین سیاست آمریکا بود. امروز با قدرگیری ترامپ احتمالا این نقشه پیگیری نخواهد شد. پیام دوستی و نزدیکی ترامپ به ترکیه و روسیه هم یک جنبه اش همین تغییر سیاست خواهد بود. اما با توجه به عمق بحران خاورمیانه و ناروشن بودن آینده عراق و سوریه و... هنوز باید منتظر تحولات بعدی بود. زیرا هیچ تعادل قوای منطقه ای و جهانی با

ایسکرا: به عنوان آخرین سوال در دل خاورمیانه بحرانی، امروز هم ترکیه و هم احزاب ناسیونالیست کرد و بسیاری از تحلیلگران به این قناعت رسیده اند که تقسیمات کشوری این منطقه که بر اساس قرار داد سایکس پیکو خط کشی شده است اعتبار خود را از دست داده است. این به چه معنی است؟

محمد آسنگران: بی اعتبار اعلام کردن این تقسیمات کشوری برای هر کدام از آنها معانی متفاوتی دارد. اگر ترکیه اینرا میگوید چشم به بخشهایی از خاک عراق و سوریه دوخته و اردوغان فکر میکرد در بحران خاورمیانه میتواند به بخشی از امپراطوری عثمانی برگردد. بویژه تاریخا ترکیه ادعای ضمیمه کردن موصل و کرکوک به خاک خودش را داشته است. اما احزاب ناسیونالیست کرد از اعلام این سیاست به این نتیجه میرسند که بتوانند در یک جغرافیای معین لاقط امروز در کردستان عراق و سوریه به یک دولت مستقل شکل بدهند. این تکرار همان آرزوی دیرینه است که قبلا گفتم بورژوازی کرد بی کفایت تر از آن است که بتواند جامعه را به این سمت سوق بدهد. اما مسئله استقلال کردستان عراق به دلیل سیاسی و تاریخی امری ممکن و عملی است و به نفع مردم عراق و کردستان عراق است. اما منافع اصلی برای اجرایی شدن این موضوع خود حکومت بغداد و دولتهای منطقه ای میباشد. بورژوازی کرد و احزاب ناسیونالیست آنها هم جسارت چنین کاری را تا کنون از خود نشان نداده اند.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۲۶۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FIVVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سیامک بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

کمهای مالی رسیده به کمیته کردستان

۱۵۰ دلار	مجید
۱۰۰ دلار	شهاب
۱۰۰ دلار	صادق دالاس
۵۰ دلار	علا فرهادپور
۴۰ دلار	پروانه
۲۰۰ پوند	شیرزاد چوپانی

آزادی مردم کردستان، و تحقق حقوق انسانی و مدنی آنها در چهار چوب عراق، مادام که چنین نظام و رژیمی در این کشور بر سر کار است، غیر ممکن است. اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان بارها نشان داده اند که نه فقط هیچ جایی در تلاش تاریخی مردم کردستان عراق برای رهایی از ستم ملی و تبعیضات اجتماعی ندارد، بلکه خود جزو اولین مواعی هستند که باید از سر راه مردم و مبارزه آزادیخواهانه آنها کنار زده شوند.

رهایی مردم کردستان بدون خلاصی از سلطه این احزاب ارتجاعی و پایان دادن به میداناری آنها در صحنه کردستان ممکن نیست. و بالاخره، تئبنات دیگر دول ارتجاعی منطقه، بویژه ایران و ترکیه علیه مردم کردستان قویا محکوم است و باید فوراً پایان داده شود.

آتش نشانان و مردم تهران در آغوش گرم و صمیمانه مردم شهرهای کردستان



نسان نودینیان

صدها نفر از مردم در شهرهای کردستان در سنجند، مریوان، پیرانشهر، مهاباد با گردهمایی‌های پر شور و صمیمانه یاد عزیز جنباختگان آتش سوزی را گرامی داشتند.

در ۴ بهمن فعالین کارگری و مدنی سنجند در مقابل ساختمان مرکزی آتش نشانی سنجند در محله فیض آباد یاد جان باختگان پلاسکو را گرامی داشتند. بیاد آنها یک دقیقه سکوت کردند و شعر "من کارگرم" را خواندند و تعدادی از آنها در گرامیداشت کارگران قربانی و مردم در این حادثه ناگوار سخنرانی کردند.

گروه کوهنوردی چهل چشمه از کارگران آتش نشانی شهر سنجند حمایت شان را اعلام و با حمل بنری که نوشته شده بود: «آتش نشانان درود بر شما که در میان شعله های آتش پیام آور ایستادن و سرخ زیستن هستید. جانباختن همکارانتان را تسلیت میگویم».

فعالین مدنی و کارگری به همراه جمعی از مردم شهر سنجند در مقابل آشنشانی مرکزی شهر سنجند برای تجلیل از قربانیان فاجعه دلخراش پلاسکو با دسته های گل تجمع کردند و یاد قربانیان را گرامی داشتند.

جمعی از مردم مریوان به خاطر فاجعه غم انگیز پلاسکو با حضور در جمع پرسنل سازمان آتش نشانی این شهر با کارگران آتش نشانی اعلام حمایت کردند.

انجمن سبز چیا با انتشار پیامی با قربانیان حادثه پلاسکو همدردی خود را اعلام و در بخشی از پیامشان نوشته اند: «...انجمن سبز چیا مریوان ضمن اعلام همدردی با قهرمانان این رویداد تلخ در آتش نشانی شهر تهران که با فداکاری و جانفشانی خود از یک تراژدی بسیار بزرگتر جلوگیری کردند، خود را شریک غم و ناراحتی خانواده های داغدار و کسبه خسارت دیده می

دانیم.....مردمان این دیار با حوادث تلخ و ناگوار از این دست غریبه نیستند و سالانه تردد آرایه های مرگ در جاده های کردستان مردم را در آتش خود می سوزانند و هستند کسانی که فداکارانانه و از جنس مردم به مانند شما در راه نجات انسان های گرفتار، قربانی سیاست های نادرست مدیرانی می شوند که همیشه راهی برای توجیه و رفع مسئولیت خود می یابند. در پایان اعلام می داریم، به یادتان در جنگل های سوخته زاگروس نهال هایی از بلوط خواهیم کاشت تا یاد و خاطره فداکاری و مقاومت شما در راستای گرامیداشت کرامت انسانی سبز و ماندگار شود. باشد که دیگر حوادثی اینچنین تلخ در اثر خطاهای مدیریتی متوجه مردم و نیروی های داوطلب و شاغل در آتش نشانی نشود. انجمن سبز چیا»

و قربانیان مدرسه شین آباد همراه مردم این روستا اعلام کردند: «اشک می ریزیم تا آتش پلاسکو خاموش شود.» اینها خود قربانیان و آسیب دیدگان آتش سوزی فاجعه بار مدرسه شین آباد هستند که با سپری شدن سالها از اتفاق دلخراش هنوز آثار دردناک و سوزنده آتش سوزی بر جسم و روح، زندگی و معیشت شان سنگینی، میکند.

درد مشترک پیام دختران شین آبادی صحنه ای دیگر از درد و رنج مسبین فاجعه پلاسکو (جمهوری اسلامی) را فریاد زد. دختران شین آباد نوشتند: «هم درد شمایم و درد زیراوارماندن تان را اشک می ریزیم. ما با انفجار یک بخاری نفتی سر کلاس سوختیم و چهار سال است لحظه به لحظه درد می کشیم. شما با انفجار قدیمی ترین ساختمان در تهران سوختید و زیر آوار ماندید. ما سوختیم، دم نزدیک بزرگ شدیم، شما سوختید، دم نزدیک و زیر آوار دفن شدید. کابوس چهار ساله ما همان کلاس درس است و کابوس خانواده های شما پلاسکو. ما دختران شین آبادیم؛ که هنوز هم بعد از ۴ سال برای "ساریا" و "سیرا" عزاداریم و با اشک های مان روی خورشید را کم کرده ایم. ما هم درد شمایم و لحظه لحظه درد زیراوارماندن تان را اشک می ریزیم. اشک می ریزیم تا آتش پلاسکو خاموش شود و دل خانواده تان شاید

آرام از لیخنند ابدی تان. ما هم درد شمایم.»

در مهاباد مردم شهر مهاباد، همراه با کانون هواداران والیبالی این شهر در ایستگاه آتش نشانی شهر مهاباد پیام همبستگی مردم این شهر را اعلام و از کارگران آتش نشانی حمایت کردند.

تجلیل از آتش نشانان یک حرکت سیاسی از جانب مردمی بود که مسببین فاجعه را می شناسند. این قدردانی از کارگرانی بود که بعلت بی مسئولیتی اقلیتی مفتخور و حاکمانی دزد و جنایتکار قربانی شدند.

خوش همبستگی و تجمعات صمیمانه مردم در سطح سراسری در ایران و در شهرهای کردستان، شعله های گرم صدای میلیون ها نفر از مردم است که از حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ناراضی و خواهان سرنگونی و کوتاه شدن دست جنایتکار این نظام هستند.

سازماندهی تجلیل و گردهمایی در شهرهای کردستان، اقدامی انسانی و ادامه فعالیت های وسیع و گسترده ای است که توسط فعالین جنبش های مدنی در جریان، است.

حمایت های صمیمانه فعالین کارگری، معلمان و مدافعین کمپین های مدنی از آتش نشانان را باید با اقدامات پیگیر و ادامه دار برای تغییر و تاثیر در زندگی و امنیت کارگران آتش نشانی تبدیل کرد.

کارگران و کارکنان آتش نشان در ایران و در شهرهای کردستان محروم از ایجاد تشکل مستقل خود هستند. طرح خواست ایجاد تشکل مستقل کارگران آتش نشان، سندیکا و یا اتحادیه و برگزاری مجمع عمومی منظم به منظور بالابردن استانداردهای ایمنی برای آتش نشانان، مجهز شدن به امکانات و وسائل و تجهیزات مدرن و امروزی برای مهار حریق و آتش سوزی، بالابردن حقوق و مزایای کارگران آتش نشان مهمترین مطالبات، است.

زنده باد مردم شهرهای کردستان که با شور و شغف بالایی از جانباختگان آتش نشان «پلاسکو» حمایت کردند.

۵ بهمن ۱۳۹۵

۲۴ ژانویه ۲۰۱۶

مردم در سراسر کشور از آتش نشانان تجلیل کردند

یک روز پس از فاجعه ساختمان پلاسکو که به جان باختن تعدادی از مردم و تعداد قابل توجهی از آتش نشانان منجر شد، مردم در سراسر کشور با جمع شدن مقابل مراکز آتش نشانی و یا در برخی پارک ها و میدانها و در حالیکه گل و شمع در دست داشتند، یاد جانباختگان را گرامی داشتند و قدردانی عمیق خود را از کارگران آتش نشانی اعلام کردند.

هزاران نفر از مردم در سراسر کشور، در تهران و مشهد و اصفهان، زنجان و آبادان، اردبیل و ارومیه، خوی و کرمان و اراک و بجنورد، تربت حیدریه و خراسان رضوی، کلاردشت، لاهیجان، اراک، مریوان و ماکو، رشت و کرمانشاه، هشتگرد، شاهین شهر، سمنان و پاوه و زابل و دهها شهر دیگر امروز با حرکتی مدرن و انساندوستانه، بدون اینکه به آخوندی اجازه دهند قرآن خوانی و روضه خوانی کند یاد جانباختگان خود را گرامی داشتند. معلمان و برخی تشکل های کارگری به آتش نشانان پیام دادند و پرستاران روز شنبه مراسمی به این مناسبت برگزار میکنند. دختران شین آباد نیز که چهار سال قبل قربانی ناامنی مدرسه شدند در پیام گرمی به آتش نشانان، به ناامنی مدارس و ساختمان پلاسکو اشاره کرده اند.

تجلیل از آتش نشانان یک حرکت سیاسی از جانب مردمی بود که مسببین فاجعه را می شناسند. این قدردانی از کارگرانی بود که بعلت بی مسئولیتی اقلیتی مفتخور و حاکمانی دزد و جنایتکار قربانی شدند. جمهوری اسلامی و صدا و سیمایش تبلیغی برای تجمعات مردم نکرد، امکاناتی برای این کار فراهم نکرد، حتی سعی کردند مردم را گمراه و پراکنده کنند و اما علیرغم این هزاران نفر در سراسر کشور جمع شدند تا ضمن تجلیل از قهرمانان خود، انزجار خود را نیز علیه دشمنان خود ابراز کنند.

هم آتش نشانها بلافاصله ارگانهای حکومتی و مشخصا

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ بهمن ۱۳۹۵

۲۰ ژانویه ۲۰۱۷

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان

فعال شدن پایان دادن به کارتن خوابی

در هوای سرد زمستانی غذای گرم برای کارتن خوابها تهیه شد. پایان دادن به کارتن خوابی از جانب فعالین مدنی و اجتماعی توسط مردم ایجاد شده است، این کمپین وسیعا دارد خود را بازتکثیر میکند. کمپین پایان دادن به کارتن خوابی شعبات خود را در شهرهای مختلف ایران ایجاد کرده است. این اقدام فعالین کمپین پایان دادن به کارتن خوابی در شهر سنندج در اولین اقدام خود با استقبال روبرو شده است. ما نیز مردم شهر سنندج و سایر شهرها را فرا میخوانیم که در ایجاد تشکلهای و کمپینهای مشابه پیش قدم باشند. همچنین از مردم میخواهیم کمپینهای انسدادوستانه را حمایت کنند.

نا امنی جاده و تصادفات بیشتر در مسیر میروان سنندج

۵ بهمن؛ خبر از تلگرام؛ تصادف بین سواری پراید و تانکر در نزدیکی برقرور. در این حادثه که منجر به زخمی شدن یک نفر از اهالی روستای هرسین شد، باز هم از یک طرف تانکر و باز هم در همان پیچ خطرناکی که چند ماه پیش منجر به آتش گرفتن ۷ خودرو شد روی داد.

نا امنی جاده ها مشکل مهم و عمده مردم در شهرهای کردستان است. سالانه صدها نفر در اثر نا امنی جاده ها جان خود را از دست میدهند و زخمی میشوند. جمهوری اسلامی با اقتصاد ویران و دزدی و اختلاس ناتوان از ترمیم و نوسازی جاده ها است. نسبت اصلی نا امنی جاده ها و نا امنی جانی مردم این نظام فاشیستی و جنایتکار است.

جمهوری اسلامی و انتقال کشته شدگان جنگ ایران و عراق در میروان.

در جنگ ارتجاعی هشت ساله ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) بیش از نیم میلیون کشته و زخمی شدند.

جمهوری اسلامی که بر زمینه تنفر و نارضایتی مردم حاکمیت سیاهش را تحمیل کرده، با نزدیک به سه دهه از تمام شدن این جنگ

ارتجاعی هنوز با انتقال مشتکی خاک و جسد له شده و قرار داده شده در "تابوت" به شهر میروان منتقل میکند. نمایش عزا و روضه خوانی یک مشت پاسدار جنایتکار هم بخشی از این مناسک است. مردم میروان مرعوب این نوع نمایش و مناسک های مذهبی نشده اند. ۵ بهمن تعدادی از مزدوران در مرز باشماق با حمل چند "تابوت"؟؟ مناسک اسلامی - فاشیستی را اجرا کردند.

نا امنی محیط کار

جان باختن هاشم رحیمی کارگر ساختمانی در حین انجام کار.

اعدام در زندان مرکزی دریا در ارومیه

۴ بهمن دو نفر با ساسی "عثمان قویطاسی" اهل بوکان و "حامد حمدالهی" اهل میاندوآب به "اتهام" قتل عمد اعدام شدند.

محکومیت فعال مدنی به سه سال زندان

روز چهارشنبه ۲۹ دیماه فعال مدنی در شهر بوکان، از سوی دادگاه تجدیدنظر شهرستان ارومیه به سه سال زندان محکوم شد. شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر ارومیه این حکم را برای اسماعیل سائیار، فعال مدنی اهل بوکان صادر کرده است. دادگاه تجدیدنظر، این فعال مدنی را به اتهام "اقدام علیه امنیت" از طریق یکی از کانونهای مدافع حقوق بشر و رسانهای خارج از کشور، به سه سال زندان محکوم کرده است.

شلیک مستقیم نظامیان حکومتی در کردستان همچنان قربانی میگیرد

روز سه شنبه بیست و هشتم دی ماه، نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران در بانه با شلیک به سوی عبدالمطلب مرادی ۲۰ ساله، وی را به قتل رساندند. مأمورین نیروی انتظامی بدون اخطار قبلی و به ظن حمل کالای قاچاق خودروی عبدالمطلب مرادی را هدف گلوله قرار دادند.

کارگران بیکار شده فولاد زاگرس خطاب به

معاون رئیس جمهور:

به اوضاع نابسامان ذوب آهن کردستان رسیدگی کنید. در جریان سفر معاون رئیس جمهور به استان کردستان، کارگران بیکار شده فولاد زاگرس در شهرستان قروه، با تحویل یک طومار، خواستار رسیدگی به اوضاع کارخانه منحل شده فولاد زاگرس شدند. در متن این طومار که به امضای بیش از پنجاه کارگر بیکار شده فولاد زاگرس رسیده، آمده است: درخواست داریم، نسبت به راه اندازی و حل مشکل این مجموعه که اشتغال ۴۰۰ نفر به صورت مستقیم و ۱۶۰۰ نفر به صورت غیر مستقیم را فراهم می کند، اقدام کنید. در ادامه این طومار کارگران یادآور شده اند که کارخانه فولاد زاگرس تنها واحد تولیدی، صنعتی در شهرستان قروه است که سهم بسزایی در معیشت اهالی شهرستان قروه و آبادانی این شهر به عنوان سومین شهر پرجمعیت استان کردستان، داراست.

روز بروز با تجمع شبانه روزی کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد:

استانداری آذربایجان غربی از کارگران معترض مجتمع کشت و صنعت مهاباد گریخت! استانداری آذربایجان غربی در سفر اخیرش به مهاباد حاضر به رویارویی با کارگران معترض مجتمع کشت و صنعت که مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کرده بودند نشد. استاندار مزدور در سفر به مهاباد عدم تمایل برای شنیدن درد دل کارگران کشت و صنعت مهاباد را عملا با حضور نیافتن در تجمع کارگران اعلام کرد. کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد حدود ۱۶ ماه است حقوق نگرفته اند و سالیانه با سوء مدیریت کارفرمایان خود دست به گریبان اند.

بیانیه ی مشترک سازمانهای مردم نهاد و فعالان اجتماعی و دانشجویی درباره آشناسان و دو کودک کار کشته شده در آتش سوزی (احد و صمد)

بحران که ساختاری باشد فاصله ی میان فاجعه ها کم کم از میان میرود. مصیبت پشت مصیبت، فرصت داغداری نمیدهد و مصیبت چند روز پیش، نیاز به "یادآوری" دارد!

اگر داغداری واکنش "طبیعی" به چنین مصیبتهایی باشد، اعتراض اجتماعی، واکنشی "جمعی" در برابر آن

است، اما شوربختانه آنچه کمتر میان سلفی ها و شاعرها و غرولندهای فراگیر مشاهده میشود، اعتراضی متشکل و جمعی است. "مسئولان امر" در این وضعیت همان واکنش طبیعی تعمیم یافته را از خود نشان می دهند و با اظهار تاسف جملات قصار می گویند و با فاجعه عکس یادگاری میگیرند.

بازار مقصر یابی داغ میشود حال آنکه یافتن مقصر در این شرایط مانند یافتن قطره ای آب در میان امواج خروشان دریاست!

در دو مورد اخیر نیز وضعیت بدین سان بوده است:

آشناسانها کمی دیربه محل حادثه میرسند و احد و صمد، دو کودک کار خردسال زباله گرد در میان زباله های آتش خاکستر می شوند. آشناسانها به موقع به محل حادثه می رسند و خودشان زیر آوار ساختمان و درون شعله های آتش خاکستر می شوند.

مساله جای دیگرست و کسی پاسخگو نخواهد بود اگر "ما" نخواهیم. آتش این همه بی تدبیری به آتش نشانان دیگری نیاز دارد.

ما موسسات سازمانهای مردم نهاد فعال حقوق کودک فعالان مدنی و دانشجویی ضمن تسلیت به بازماندگان حادثه ی ساختمان پلاسکو و بزرگداشت یاد کودکان فقیر سوخته در گاراژ غنی آباد خواهان پاسخگویی مسئولان ذریبط، تجهیز کامل سازمانهای آشناسانی کشور و فراهم سازی امکان تحصیل رایگان و تامین اجتماعی مناسب برای همه کودکان و خانواده ی آنها هستیم.

۱. مرکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده سپیده دم لرستان
۲. مرکز حمایتی و آموزشی کودک و خانواده موج مهر - شیراز
۳. جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان تهران
۴. مرکز مجازی پژوهش و آموزش رهایی
۵. کانون یاریگران دانشگاه صنعتی شریف
۶. جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان اردبیل
۷. موسسه حمایتی کودکان کار و خیابان خانواده ی مقدس بیرجند
۸. مرکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده شمیم زندگی یاسوج
۹. مرکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده آسوی زانیاران سنندج
۱۰. کانون مطالعات فرهنگی دانشگاه رازی

۱۱. مرکز حمایتی آموزشی فرامهر مشهد
۱۲. انجمن علمی دانشجویی فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
۱۳. مرکز آموزشی - حمایتی کودک و خانواده نونهال البرز
۱۴. مرکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده بچه های آفتاب
۱۵. سمن حامیان حق کودکانی بامداد
۱۶. موسسه مردم نهاد آوای امید
۱۷. کانون فرهنگی باران - دانشگاه تهران
۱۸. موسسه حامیان سلامت اجتماعی شهرستان بروجرد
۱۹. مرکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده شهرکرد
۲۰. انجمن خیریه صالحین - مرکز آموزشی
۲۱. حمایتی کودک و خانواده ارومیه
۲۲. مرکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده ایلام
۲۳. کانون فرهنگی حمایتی کودکان کار کوشا
۲۴. گروه خوزه چین مهر همدان
۲۵. انجمن علمی تعاون و رفاه اجتماعی علامه طباطبایی
۲۶. کانون مطالعات و نشر اندیشه ی دانشگاه گیلان
۲۷. مرکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده بندرعباس، هرمزگان
۲۸. موسسه پناه کودکان کار، قزوین
۲۹. گروه تبلیغاتی سنجاب
۳۰. موسسه مقاوم سازی و بهسازی لرزه ای ایران
۳۱. بنیاد بین المللی امداد و نجات ایثار
۳۲. موسسه خیریه و نیکوکاری زنجیره مهر ماندگار
۳۳. بنیاد خیریه فرهنگی تبسم
۳۴. کانون فرهنگی خیریه دانشگاه علامه طباطبایی
۳۵. کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز
۳۶. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بجنورد (نشریه صدا)
۳۷. موسسه حمایتی کودکان سرزمین من
۳۸. موسسه ی پژوهشی اقدام پژوهان جامعه ی بهتر
۳۹. موسسه خیریه بچه های آفتاب کرمان
۴۰. انجمن حامی (حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی)

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی



خودکشی یک دختر ۲۱ ساله در سنندج

یک دختر ۲۱ ساله اهل سنندج توسط تفنگ شکاری، اقدام به خودکشی کرد. به گزارش تارنگار حقوق بشر در ایران، یک دختر ۲۱ ساله بنام سارینا امجدی از اهالی روستای علی‌آباد، منطقه کلاترزان، طی هفته گذشته با استفاده از تفنگ شکاری به زندگی خود پایان داد. به گفته منابع محلی، علت و انگیزه این خودکشی، اختلافات خانوادگی بوده است.

بازداشت یک هنرمند بوکانی از سوی نیروهای امنیتی

یک هنرمند جوان بوکانی روز شنبه دوم بهمن‌ماه از سوی نیروهای اطلاعات بوکان بازداشت شد. به گزارش تارنگار حقوق بشر در ایران، روز شنبه دوم بهمن‌ماه، نیروهای امنیتی در بوکان، نشمیل سهرابی را بدون ارائه حکم و همراه با ضرب و شتم دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل کردند. از محل نگهداری این هنرمند جوان تاکنون اطلاعاتی به‌دست نیامده است. سایت "مرو فایتی" در این باره نوشته است، نشمیل سهرابی به بهانه فعالیت تبلیغی به مناسبت سالروز تأسیس جمهوری کردستان دستگیر شده است.

ارپیل کردستان عراق، قتل زن بدست همسرش

شب هشتم ژانویه زنی که تنها بیست روز از بدنیا آوردن کودکش گذشته بود توسط همسرش با سنگ و سیخ آهنی مورد یورش قرار می‌گیرد که بعد از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست می‌دهد. این زن که ۲۹ ساله و "فینک" نام دارد ساکن "دبیه" که از توابع اربیل کردستان عراق است. همسر این زن ابتدا او را با شدت شکنجه کرده است و بعد از کشتن وی خود را به مأموران پلیس تحویل می‌دهد. پلیس اعلام کرده است که این مرد در حالت مستی دست به این کار زده و از عمل خود پشیمان است.

اجتماعی پخش شد و بعد از انتشار این تصاویر پرونده‌ای در شعبه ویژه جرایم دادرسی فرهنگ و رسانه تشکیل شد و ۲ زن ورزشکار به همراه ۴ مری مرد جهت انجام مراحل بازپرسی به شعبه دوم دادرسی فرهنگ و رسانه احضار شدند.

جلسه رسیدگی به اتهامات جدید آنا دائمی

جلسه رسیدگی به اتهامات آنا دائمی، فعال حقوق بشر زندانی، در پرونده جدید با شکایت سپاه پاسداران، در دادرسی شهید مقدس زندان اوین برگزار شد. در این جلسه، تعدادی از اتهامات دائمی حذف و پرونده از باب اتهامات "توهین به مأموران و ممانعت از اجرای حکم" مورد رسیدگی قرار گرفت. به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در بررسی اتهامات آنا دائمی در پرونده جدید، اتهامات "توهین به رهبری، توهین به مسئولین و نشر اکاذیب" که پیش‌تر طرح شده بود از پرونده برداشته شد و تنها دو اتهام "توهین به مأمورین هنگام بازداشت و ممانعت از اجرای حکم" در پرونده مانده است. این تغییر در پرونده در پی "احضار و شهادت دادن مأموران نیروی انتظامی، دفاعیه و کیل و انکار ویدئوی ضبط شده هنگام بازداشت" روی داده است.

بازداشت گلرخ ایرانی و انتقال به زندان اوین

گلرخ ابراهیمی ایرانی، همسر آرش صادقی، هنگام خروج از منزل توسط مأموران سپاه ثارالله بازداشت و به اجرای احکام زندان اوین منتقل شد. بازداشت گلرخ ایرانی در حالی انجام شد که سعید اقبالی از دوستان این زوج نیز همراه او بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شده است. بنا به گزارش هرانا پیش از ظهر روز سوم بهمن‌ماه ۹۵، برخلاف وعده‌های مطرحه از سوی دادستانی گلرخ ابراهیمی ایرانی جهت تحمل ادامه حبس توسط مأموران سپاه ثارالله بازداشت و به اجرای احکام زندان اوین منتقل شد.

یک منبع نزدیک به خانواده ایرانی در این رابطه گفت: "قبل از ظهر آرش صادقی برای انجام آزمایشاتی به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شده بود. گلرخ

ایرایی نیز برای دیدار با وی همراه سعید اقبالی از دوستانشان عازم بیمارستان بود که توسط نیروهای سپاه ثارالله بازداشت شدند". این منبع مطلع در ادامه تأکید کرد: "گلرخ ایرانی را به اجرای احکام زندان اوین منتقل کرده‌اند و طی تماسی که با مادرش داشته، خواسته است وسایلی را به زندان بیاورد. از سوی دیگر سعید اقبالی را از وی جدا کرده و به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند".

بند زنان زندان اوین؛ سه مرخصی، یک آزادی و یک انتقال

(نازیلا حمیدآواحمیدف)
زندانی تبعه جمهوری آذربایجان از بند نسوان زندان اوین آزاد شد. از همین بند، (مریم نقاش زرگران) (لیلا جعفری) و (ستوده فاضلی) به مرخصی اعزام شدند و (مرجان داوری) نیز به ندامتگاه زنان ری (قرچک) منتقل شد.

بازداشت ده‌ها تن از فعالان حوزه مجازی مدلینگ

دادستان دادگاه انقلاب قزوین به هنگام بازدید از پلیس فتا اظهار داشت که ده‌ها فعال مدلینگ بازداشت شدند. به گزارش تارنگار حقوق بشر در ایران به نقل از ایلنا، صادقی نیارکی به هنگام بازدید از پلیس فتا اعلام کرد: با انجام اقدامات وسیع امنیتی و رصد فضای مجازی موفق شدیم عده‌ای از افرادی را که در فضای مجازی اقدام به انتشار محتویات مبتذل در عرصه مدلینگ کرده بودند دستگیر و بازداشت کنیم.

وی یادآور شد: در این راستا با انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی، آتلیه و استودیوها شناسایی و از آنجایی که اقدامات ایشان مخل امنیت اخلاقی و نظم عمومی می‌باشد لذا به استناد ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی از ادامه فعالیت آنان تا اطلاع ثانوی جلوگیری به عمل آمده و پلمپ شدند. دادستان قزوین گفت: علاوه بر افراد دستگیرشده، تعداد زیادی را نیز احضار کردیم و ۷ مکان شامل آتلیه و استودیوی عکاسی و فیلم‌برداری نیز پلمپ و تجهیزات رایانه‌ای، دوربین‌های عکاسی، لپ‌تاپ، فلش مموری، ادوات نورپردازی و سایر ادله الکترونیکی دیگر نیز کشف و ضبط شده است.

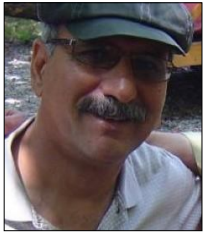
بازنشستگی پیش از موعد زنان کارگر، بدون شرط سنی

قانون تأمین اجتماعی بر اساس دو معیار کارمندان و کارگران را بازنشسته می‌کند: رسیدن به سن بازنشستگی بر اساس قانون یا داشتن سنوات پرداخت حق بیمه به میزان مقرر در قانون تأمین اجتماعی. همچنین در مجموعه قوانین و مقررات امور بازنشستگی ایران، اشکال متفاوتی برای بازنشستگی پیش‌بینی شده که یکی از آنها بازنشستگی پیش از موعد است که امکان بازنشستگی پیش از موعد برای زنان دارای ۲۰ سال خدمت در آن وجود دارد. به موجب ماده ۲ قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۸۶، کلیه کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در صورت دارا بودن حداقل ۲۵ سال سابقه خدمت قابل قبول بدون رعایت شرط سنی می‌توانند با ارائه درخواست کتبی مبنی بر بازنشستگی پیش از موعد و موافقت دستگاه متبوع از حداکثر پنج سال سنوات ارفاقتی تا سقف ۳۰ سال بازنشسته شوند.

این در حالی است که یک کارگر مرد برای انجام چنین شغلی باید حق بیمه و دستمزد کامل دریافت کند. زنان کارگر به دلیل نیاز مالی اغلب به این شرایط تن می‌دهند و علاوه بر ساعت‌های عادی کار، اضافه کاری می‌کنند. وظایف خانگی برای این زنان که بسیاری از آنها تنها سرپرست خانواده هستند، بار مضاعفی است که در کنار شرایط دشوار کار، آنها را از نظر جسمی و روانی با آسیب‌های متعدد روبه‌رو می‌کند. همه اینها باعث می‌شود که زنان کارگر زودتر فرسوده شوند. سیاست‌های زن‌ستیزانه حکومت ایران برای محدود کردن و خانه‌نشینی زنان در دهه‌های اخیر با طرح‌ها و لایحه‌های گوناگون مانند دورکاری، کاهش ساعت کار زنان دارای شرایط خاص، افزایش مرخصی بارداری و زایمان برای مادران، بدون تضمین بازگشت به کار و تبعیض مثبت برای زنانی که تعداد بیشتری بچه دارند، در ظاهر برای حمایت از زنان پیگیری شده است اما خلاءهای قانونی در عمل زنان را از دسترسی بدون تبعیض به بازار کار محروم کرده است.*

یورش مامورین دادستانی تهران به منزل جعفر عظیم زاده را قویا محکوم میکنیم

پیام شاپور احسانی راد پیرامون تلاش برای دستگیری جعفر عظیم زاده - یورش به منزل جعفر عظیم زاده محکوم است



شاپور احسانی راد

مطالبه گران این عرصه برآمده اند، اما آنها باید بدانند که زمان تهدید و سرکوب بسر آمده است و زحمتکشان تا زمانی به حقوق و مطالبات خود نرسند هرگز از پای نخواهند نشست و بدانند ما اسماعیل عبیدی، جعفر عظیم زاده و دیگر کنشگران علیه ظلم و ستم را تنها نخواهیم گذاشت.

۵ بهمن ماه ۱۳۹۵

تعمیق قضایی، امنیتی کردن حق خواهی، تهدید، ارباب، شلاق و زندانی کردن کارگرانی که سالهاست زیر ستم کارفرمایان و سرمایه داران حقوق شان پایمال شده و حالا فریادشان آسمانها را هم در نور دیده، محکوم است. دولت جمهوری اسلامی و هر دولتی باید مطالبات کارگران، معلمان، پرستاران، اتش نشانان و دیگر زحمتکشان حقوق بگیر را بر آورده نماید نه اینکه نمایندگان واقعی آنان را به بند بکشند. آنچه مشهود است در ماههای اخیر اعتراض سراسری بازنشستگان، کارگران، معلمان، پرستاران، اتش نشانان و دیگر مزدبگیران چنان ابعاد گسترده ای پیدا کرده و همدردی و همراهی جامعه با آنان به جایی رسیده است که دولت و قوه قهریه اش در صدد اعمال فشار و تهدید و سرکوب

اسناد منتشره توسط کمیته تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی دست به اختلاسهای میلیاردری از صندوق سازمان تامین اجتماعی زده بود حتی برای ساعتی نیز روانه زندان نشد. اما قوه قضائیه جمهوری اسلامی جعفر عظیم زاده را که نماینده هزار کارگر در شکایت از سعید مرتضوی بود و هیچ جرمی جز دفاع از منافع صنفی خود و هم طبقه ای هایش مرتکب نشده است ابتدا به شش سال زندان در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران محکوم و وی را آبانماه سال گذشته برای اجرای آن روانه زندان کرد و سپس بلافاصله بعد از پایان اعتصاب غذا و آزادی موقت جعفر در روز دهم تیر ماه سالجاری، وی را به جرم حمایت از خواست کارگران نورد و لوله صفا و با همان اتهامات مشابه شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران در شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی ساوه محاکمه و به ۱۱ سال زندان دیگر محکوم کرد.

پرونده جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبیدی و همه فعالین صنفی کشور در مقابل دیدگان کارگران و معلمان و افکار عمومی قرار دارد. آنان همچنانکه خود در بیانیه مشترکشان اعلام کرده بودند تنها یک جرم را قبول کرده اند و آن به مخاطره انداختن امنیت و آسایش مشتی دزد و غارتگر در نتیجه فعالیتهای صنفی شان بوده است و نه امنیت کشور. کسانیکه امروز امنیت و منافع غارتگرانه خود را عین امنیت کشور میخوانند و با چنین دستاویز نخ نمائی فعالین صنفی مسئول، شریف و برجسته ای همچون اسماعیل و جعفر و دهها فعال صنفی دیگر را مورد تعقیب قضائی و بازداشت و محکومیت قرار میدهند باید بدانند کارگران و معلمان ایران مرعوب چنین سیاستهای سرکوبگرانه ای نخواهند شد و همچنانکه شاهدیم هر روزه بر عمق و دامنه ی اعتراضات کوبنده کارگران بر علیه وضعیت مصیبت بار موجود افزوده خواهد شد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
پنجم بهمن ماه ۱۳۹۵



مواجه شد مشترکا از روز دهم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب غذا زدند و نهایتا هر دو نفر موقتا آزاد شدند. اما قوه قضائیه جمهوری اسلامی در یک دهان کجی آشکار به حمایت میلیونها کارگر و معلم، افکار عمومی و بزرگترین اتحادیه های کارگری و سازمانهای حقوق بشری در سرتاسر جهان از خواست بر حق این دو فعال صنفی و در تداوم سیاست امنیتی کردن فعالیتهای صنفی و مدنی، اسماعیل عبیدی را روز نوزدهم آبانماه در منزلش بازداشت و روانه زندان کرد و از یکماه پیش تلاشهای زیادی را بکار بست تا جعفر عظیم زاده خود را به زندان معرفی کند. اما ایشان با تاکید بر تحقق خواست خود مبنی بر برداشته شدن اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین صنفی، حاضر به معرفی خود به زندان نشده و اعلام کرده است در تداوم مبارزه برای پایان دادن به امنیتی کردن فعالیتهای صنفی با پای خود به زندان نخواهد رفت و چنانچه مورد بازداشت واقع شود به مبارزه اش از درون زندان برای تحقق خواستههایش ادامه خواهد داد.

بازداشت اسماعیل عبیدی و تلاش برای زندانی کردن جعفر عظیم زاده در حالی با جدیت از سوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی دنبال میشود که سعید مرتضوی که بنا بر

ظاهر امروز سه نفر از مامورین دادستانی تهران در حالی که جعفر عظیم زاده در منزل حضور نداشت به خانه وی مراجعه و به محض باز کردن درب منزل توسط فرزند نوجوانش، وارد خانه شدند و سپس برکه ورود به منزل و حکم دستگیری ایشان را که به امضای حاجیلو رسیده بود به همسرش نشان دادند. این مامورین با ادعای اینکه رد گوشی جعفر را زده اند اصرار داشتند که وی در منزل است و به همین دلیل همه جای خانه و انباری آنرا با دقت بازرسی نموده و بمدت یک ساعت در منزل وی حضور داشتند. همچنین یکی از این مامورین در اقدامی غیر قانونی در بیرون از منزل، فرزند بزرگ جعفر را بشدت تهدید نموده و اعلام کرده است کاری خواهیم کرد تا زندان پدرت هیچوقت تمام نشود.

جعفر عظیم زاده که بدنبال یک اعتصاب غذای ۶۳ روزه از روز دهم تیر ماه در بیرون از زندان بسر می برد در اواخر فروردین ماه سالجاری همراه با اسماعیل عبیدی طی بیانیه ای از داخل زندان خواهان برداشته شدن اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین صنفی و مدنی شده بود. این دو فعال برجسته جنبش کارگری و جنبش معلمان ایران برای تحقق خواست خود که با استقبال کم نظیر کارگران و معلمان و افکار عمومی در داخل کشور و سطح جهانی






کمیته
برای آزادی کارگران زندانی در ایران

FREE THEM NOW!

همه فعالین کارگری باید فوراً لغو شود!













باید آزاد شوند

احکام امنیتی علیه کارگران، معلمان و مردم معترض باید ملغی شود!

مادرانی دیگر !! چرا مادرانی دیگر !!



صالح گویلی

همه جای دنیا مادر همان واژه بی همتاست. همان موجود مهربانی است که برای حفظ بچه اش ناممکن ها را ممکن می سازد. اما اینجا حرف از مادرانی مبارز است که داستانهای نوشته نشده ای دارند. نوشتن از آنها ساده نیست، بررسی تاریخی، علمی و دقیق می خواهد تا حقیقت آن ناممکنها را که آنها ساختند بر روی کاغذ آورد. وقتی رژیم رعب و وحشت جمهوری اسلامی با همه دستگاههای سرکوب و شکنجه اش برای شکستن روحیه این مادرها در کردستان بسیج میشود و درانجام این کارش ناکام می ماند، اشاره به داستان و زندگی انسانهایی دارد در هنگام رعب وحشتی که برایشان بوجود آوردند، احساس ترس نکردند.

در این نوشته کوتاه میخواهم آنها را به یاد میارم. میخواهم از داستان فداکاری مادران کردستان بگویم، داستان مبارزات رودروی آنها با رژیم اسلامی، داستان شکنجه و زندانی شدنشان، داستان از دست دادن فرزندان، داستان برگزاری مراسمهای علنی برای عزیرانشان، داستان اتحاد و همبستگیهایشان، داستان روحیه بزرگان و همه اینها همان داستانها و تاریخ نوشته نشده آنهاست. این رزمندگیها حکایتهایی برای بعد از مرگشان نیست، بلکه اینها داستان امروز و آینده ماست اینها را باید نوشت و بلند بلند گفت: مادران کردستان خورشیدی را جبنادند که زنده یاد فواد مصطفی سلطانی فراخوانش را داد.

خیلی دوست دارم در وصف آنها حرفهای لایق خودشان را بنویسم

ولی من نویسنده نیستم. محقق، تاریخ نویس و رومان نویس میخواهد تا آنها را طوری دیگر به قلم بکشد، نثر نویس میخواهد که باجملات و کلامی زیبایی در وصف آنها هنرنمایی کند. بارها فکر کرده بودم در مورد این مادران مبارز فکرهایم را بنویسم، اما هر بار به بهانه ای از کنار این مسئله مهم گذشتم. گاهی فکر میکردم که نتوانم آنچه لایق آنهاست بر روی کاغذ بیاورم. نخسین بار بعد از مراسم "دایه صبیعه" همین مطلب را نوشتم. دایه صبیعه، مادری که پنج فرزندش را در جنبش کردستان از دست داد ولی خم نشد. این قصه و حکایت نیست، داستان افسانه ای قرنهای سال پیش نیست. این واقعیت زندگی مادرهایی از همین یکی دو دهه اخیر است این داستان نوشته نشده مادران امروزی کردستان است.

وقتی زهرا خانم، مادر (ناوه) ها) جانباخته ای دیگر از میان ما رفت، بر این شدم که نوشته ام را ادامه دهم. هنگامی داستان مقاومت و زندگی این انسان بزرگ را از زبان عزیزانش در مراسمی در شهر کلن می شنیدم، دوست داشتم که انسانیت به پاس احترام به او و بقیه مادران داغدار دیگر تعظیم فرود آورد. تاسف دارد، که چنین انسانهای شریفی با هزاران آرزوی یکی پس از دیگری به خاک میروند و ما فقط به هنگام مرگشان از آنها یاد بکنیم! با اینکه میدونم هیچ حرف و حدیثی نمی تواند بیان بخشی کوچک از آنی باشد که بر این مادران گذشت، ولی به احترام آنها مینویسم. میخواهم به یاد خودم بیاورم که چه سختیهای و چه فداکاریها و از چه خطراتی عبور کردند تا بچه هایشان را در کوههای کردستان که درگیر یک جنگ تمام عیار با حکومت رعب و وحشت اسلامی بودند، پیدا کنند. ازهر آب و آتشی گذشتند، از هر کوه و دره ای سختی عبور کردند و آنها را هرجا پیدا کردند. همراه خود کوله باری از مهربانی، روحیه، صفا و صمیمیت آوردند. وقتی دوباره برگشتند، دستگیر شدند،

زندانشان کردند، خانه هایشان را محاصره، مورد بی احترامی و کتک کاری و اذیت و آزار قرارشان دادند اما آنها ایستادند، تحمل کردند ولی در مقابل حکومت نه روحیه خود را باختند و نه تسلیم زور و زندانشان شدند.

همه ما میدونیم، جایگاه آنها فقط این نبود که مادران مهربان و دلسوزی برای ما بودند، این خصوصیات را همه مادران دیگر هم دارند. بیشتر از اینها، آنها در تاریخ مبارزاتی مردم کردستان نقش و جایگاه خود را داشتند. زمانی تاریخ نویسی بخواهد تاریخ کردستان را بازنویسی کند، تاریخش خواندنی نخواهد بود، اگر نقش و جایگاه مادران کردستان را مثل خودشان، مثل هر آنچه که بودند، نگویید. تاریخش ناقص خواهد بود، اگر ننویسد چگونه آن مادران با اتحاد و همبستگی شان، با کمک های بی دریغشان، با روحیه ی بزرگ و انقلابیشان، مقاومتها جانانه شان در مقابل رژیم و با تحمل فشارهای مضاعف رژیم که بر آنها وارد کرده بود، خود بخشی از مبارزات انقلابی مردم کردستان را بدوش کشیدند و رژیم را در درون با روحیه و مبارزه خودشان تحت فشار گذاشته بودند.

کار آنها فقط تحمل دوری جگرگوشه هایشان که در صف پیشمرگان کومه له یا هر سازمانی دیگر که هر لحظه منتظر خیرمرگ عزیزانشان هم بودند، نبود. اگر فرزندان دلیرشان در مقابل یورش های سنگین رژیم در کوههای کردستان ایستادند و مقاومت کردند، آنها هم از درون با حفظ جایگاه خود حکومت اسلامی را به چالش کشیده بودند و برای این شجاعان بارها زندانی و شکنجه شدند. با اینکه مداوم زیر نظارت حکومت بودند، با اینکه از کار اخراج و از امکانات اجتماعی محرومشان کردند، تحقیرشان کردند و مورد اذیت و آزار قرار گرفتند، اما همه اینها را تحمل کردند ولی هیچوقت در مقابل رژیم به زانو نیافتادند. این نکته ای است که رژیم جمهوری اسلامی در به شکست کشاندن این مادران ناکام ماند. کدامیک از آنها را به خاطر بیاورم تا ببینیم بر آنها چه گذشت،

مادران بوکان یا کامیاران! مادر سید مرادیه یا مادران بیساران، مادران نه وره و باوریزویه یا مادر کعبیها، یارالهی، رستم گرجی و مصطفی سلطانیها، از مادران مهاباد و سقزو بانه یا سردشت و مریوان... و یا هزاران مادر داغ دیده دیگر کردستان که هر کدامشان یک، دو، سه، چهار و پنج فرزندشان را با روی کار آمدن جمهوری اسلامی از دست داده اند! گفتن و نوشتن از اینها ساده است ولی فهمیدن و حس کردن آن چیزی دیگری است.

شاید روانشناس ها بتوانند توضیح دهند که چگونه میشود مادرانی با این همه رنج و درد می تواند هنوز باشند، هنوز بخندند، امید داشته باشد، روحیه بدهند، گریه نکنند و سرشان را بلند نگه دارند که مبادا دشمنانشان شاد شود. شاید فقط آنها بتوانند بگویند، این چه حسی است که هیچوقت خود را نناختند تا دشمن حس نکند آنها را شکسته داده است. مادران فقط سمبل و اسطوره های مقاومت و پایداری جنبش کردستان نبودند بلکه آنها قلب آن جنبش بودند که هنوز با شکوه برای انسانیت می تپد.

نقش آن مادران در این جنبش فقط به دلیل وجود فرزندانشان که مقابل هجوم جمهوری اسلامی ایستاده بودند نبود، بلکه آنها به عنوان انسانهای سیاسی، زنانی هم بودند که طعم نابرابری و ستم را در جامعه به عنوان زن چشیده بودند و به این دلیل، آنها کسانی در کنار جنبش نبودند بلکه خود جنبش بودند. آنها بودند که در درون مبارزه کردند و سران رژیم و نیروهای سرکوبگرش را سرتا پا به لرزه درآورده بودند. کسی بخواهد از مبارزه مردم کردستان که علیه ناعدالتی، و ظلم و ستم به پا خواسته بودند چیزی بنویسد، نمیتواند به نقش و جایگاه پرافتخار آنها اشاره نکند. اگر هنوز چیزی هست و باید به آن افتخار کرد، مادران کردستان

بخشی از آن افتخار نیستند، آنها تمام افتخارند. آنها بار سنگین آن جنبش با آن عظمت و شکوهش را به دوش کشیدند. گاهی مثل درختی بید در مقابل سختترین طوفانها آن خم شدند اما نشکستند. آنها سوخت و ساز واقعی جنبشی شدند که در راههای تند و سختش، در تند پیچهای کمر شکنش، و در هر فراز و نشیبی کنار پسران و دخترانشان در مقابل دشمن تا دندان مسلح ایستادند، نه کوتاه آمدند و نه سرخم کردند. این مبارزه برای آن مادران به قیمت بسیار گرانی تمام شد. عزیزان زیادی را در این راه از دست دادند که از آنها جز یک نام، ستاره و پرچم سرخشان چیزی باقی نمانده است. ولی آنها هنوز استوار ایستاده اند. زخم از دست دادن عزیزانشان را با جان و روح و روانشان تحمل کردند و به راهی که دختران و پسرانشان رفتند همیشه افتخار کردند. آزار دهنده است، وقتی گاه و بیگاه خبر مرگ یکی از آنها با هزاران آرزو، با زخمهای رو دلشان، با هزارا خاطره و داستانهای مختلفشان را میشنویم، درد آور است وقتی همه آرزوهایشان را همراه خودشان دفن میکنند و روزهای پیروزی خودشان را نمی بینند و از میان ما میروند.

شاید آن دور دورها مردم زیادی ندانند بر این مادران چه گذشت ولی ما میدانیم، ما میدانیم بر مادران کردستان چه گذشت. ما میدانیم بر مادران خاوران، بر مادران پارک لاله و هه زاران مادر داغدار دیگر چون مادر بهکیش ها و در سرتاسر ایران که عزیزانشان را در قتل گاههای رژیم اسلامی از دست دادند چه گذشت. از این مادران بخاطر مقاومت و ایستادگیهایشان، بخاطر روحیه و دل بزرگشان باید گفت، باید نوشت و باید یاد کرد و ما سر تعظیم در مقابل همه آنها فرود میاوریم.

۲۱ ژانویه ۲۰۱۷

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!